

فرار مغزها، مشکل بزرگ جهان سوم

● نوشته: دکتر حسین شهیدزاده

بررسی تاریخ قدیم ایران و روم و یونان مؤید این موضوع است و نشان میدهد چگونه در هر عصر که یکی از این اقوام در اوج قدرت و توسعه بوده‌اند، هنرمندان سایر کشورها را بطرف خود جلب میکرده‌اند. در قرون وسطی و سالهای بعد از آن نیز این جریان کم و بیش وجود داشته و بطور کلی ارباب فضل و هنر و صنایع هر جا که قدردانی بیشتری از دسترنج آنها میشده و یا زندگی آسوده‌تری برایشان تأمین میگردد بدان صوب مهاجرت میکرده‌اند. این نقل مکانها چون تابع عرضه و تقاضای زمان و محدود به احتیاجات هر محیط بود صورت طبیعی و منطقی داشت و هیچوقت از حد معینی تجاوز نمیکرد بطوریکه لطمه وزیان قابل توجهی به موطن فرستنده مهاجر وارد نمی‌آورد و از همه مهمتر آنکه تعداد مهاجرین نسبت به کسانیکه باقی میمانند ناچیز بود و باعث وقفه و سکنه در امور اجتماعی نمیشد.

رفته رفته با پیدایش ماشین در زندگی بشر و ظهور یک سلسله اختراعات و اکتشافات که منجر به ایجاد طبقه عظیمی از افراد متخصص و دانشمندان در رشته‌های مختلف گردید، کیفیت و کمیت این مهاجرتها دستخوش تحولاتی شد که بهیچوجه با وضع گذشته قابل قیاس نیست. پیشرفت تکنیک در رشته‌های مختلف صنعت و فراهم بودن وسائل تحقیق و مطالعه از یکطرف و آماده بودن وسائل زندگی و رفاه با شرایط بهتر و مزد بیشتر از طرف دیگر در بعضی کشورها باعث شد که افراد متخصص و کارآموزده یا دانشمندان و محققین بطرف این کشورها سرازیر شوند و نوعی عدم تعادل از جهت نیروی متفکر انسانی در نقاط مختلف دنیا پدید آید.

بنابراین فرار مغزها که خود از جهتی معلول عدم توسعه اقتصادی و فقدان وسائل تحقیق و مطالعه در یک جامعه است از جهت دیگر موجب کندی پیشرفت امور اجتماعی در همان جامعه میشود و بدین ترتیب علت و معلول اثر متقابل در یکدیگر کرده و باصطلاح دایره معیوبی بوجود میآورند که متوقف ساختن آن اشکالات بسیاری دربردارد. برخلاف زمانهای گذشته که مهاجرت ارباب حرف و صنایع یک حرکت منطقی و طبیعی شمرده میشد و اکثراً منطبق بر احتیاج کشور خواننده و عدم نیاز کشور فرستنده آنها بود، امروز جریان مهاجرت افراد متخصص صورتی غیرطبیعی بخود گرفته است. بدین معنی که در بیشتر موارد نه کشور فرستنده از وجودشان بی نیاز است و نه کشور پذیرنده همیشه بوجود آنها نیازمند میباشد. مثلاً همین جریان غیر طبیعی و یک طرفه موجب شده است در حالیکه کشورهایی مثل هند و پاکستان از نظر پزشک در مضیقه بسر میبرند پزشکان آنها در انگلستان متوطن شده و قریب ۴۴ الی ۴۶ درصد از جامعه پزشکی آن کشور را تشکیل دهند.

این جریان بعد از جنگ دوم جهانی بخصوص از سال ۱۹۵۳ بصورت کنونی درآمده و روز بروز وسعت پیدا میکند. اگر چه بهیچوجه آمارهای صحیح و قاطعی از کمیت فرار مغزها موجود نیست ولی با معلومات کلی و جامعی که در این باب در دست است میتوان گفت همان جریانی که در مورد کوچ کردن مردم در داخل کشورها از نقاط روستائی بطرف شهرها وجود دارد در زمینه بین‌المللی ایجاد شده و افراد متخصص از مناطق فقیر به نواحی غنی‌تر و از آنجا بسوی کشورهای بسیار غنی رهسپار میشوند بنحویکه این مهاجرتها بصورت مخروطی درآمده است که قاعده آنرا مناطق فقیر و رأس آنرا ایالات متحده آمریکای شمالی تشکیل می‌دهد.

یادآوری

مقاله‌ای که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد گزارشی است که چند سال پیش در پایان اولین کنفرانس شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در باره مهاجرت متخصصان و دانشمندان تهیه شده است. هر چند از آن زمان تا امروز مدت زیادی می‌گذرد و مطلب از جهت کیفیت و کمیت بدون تردید دستخوش دگرگونی‌هایی شده لیکن مسلماً در ماهیت امر تغییری اساسی پدید نیامده است. مسئله مهاجرت مغزهای پرورش یافته از کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی شده و ثروتمند جهان همچنان بجای خود باقی است و همانطور که این مسئله مشکلی برای کشورهای گروه اول بوجود می‌آورد منبع استفاده معتبری برای کشورهای گروه دوم بشمار می‌رود. اینکه با این پدیده که از ویژگیهای قرن بیستم است چگونه باید برخورد کرد و از چه راه به چاره اندیشی برای مقابله با آن پرداخت، مطالبی است که محتوای مقاله زیر را تشکیل می‌دهد. توجه خوانندگان محترم را خصوصاً به این نکته جلب می‌نماید که هر چند آمار و ارقام مذکور در این نوشته برخی مربوط به سالهای گذشته است، لیکن این نقیصه تغییری در کیفیت امر حاصل نمی‌کند. موضوع اصلی، ماهیت قضیه و چگونگی پیدایش و تحول و توسعه آنست بویژه که هر چه در طی این مقال آمده مبتنی بر نظر صاحب نظران و کارشناسان و خبرگانی است که از دیدگاه بین‌المللی نظر ایشان معتبر و محترم شناخته شده و نتیجه تحقیقات و پژوهشگریهای خود را بیدریغ در اختیار شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد قرار داده‌اند.

تجزیه و تحلیلی از مسئله فرار مغزها در دنیای کنونی و ارتباط آن با ایران: موضوع فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته و اهمیت روزافزونی که این مشکل در زندگی اقتصادی و اجتماعی بسیاری از ملل بوجود آورده، مسئله‌ایست که از مدتی پیش توجه محافل علمی و سیاسی دنیا از جمله شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد را بخود جلب نموده و موضوع قابل توجهی برای بحث و اظهار نظر و چاره‌اندیشی بوجود آورده است.

قبل از اینکه به بحث در مورد تحولاتی بپردازیم که از دو دهه پیش در شورای مزبور در این زمینه صورت گرفته، بيمورد نیست که به اختصار ماهیت فرار مغزها و علل آن و دگرگونی‌هایی را که این مسئله از نظر کیفیت و کمیت در سالهای اخیر پیدا نموده مورد بررسی قرار دهیم و سپس درباره نظرهایی که در این رابطه مطرح گردیده است، تجزیه و تحلیلی بعمل آوریم.

بنابراین موضوع را میتوان در چهار قسمت مورد مطالعه قرار داد:

- الف - کیفیت مسئله فرار مغزها و جهت کشش آن
 - ب - علت یا علل فرار مغزها
 - ج - طرق جلوگیری و یا کاستن از جریان آن
 - د - مسئله فرار مغزها از نظر موسسات وابسته به سازمان ملل
- ### کیفیت فرار مغزها و جهت کشش آن

از نظر تاریخی باید گفت که این مسئله همیشه و در تمام ادوار تاریخ وجود داشته و هنرمندان و ارباب حرف و صنایع بنا بر ارجح و اهمیتی که به کار آنها داده میشده، از نقطه‌ای بنقطه دیگر مهاجرت میکرده‌اند.

کشور اخیرالذکر که بودجه هنگفتی در اختیار دارد، بمنزله نقطه جاذبه دنیا در این زمینه تلقی می شود.

بنابراین در بررسی ابتدائی این نکته روشن میشود که کشورهای توسعه یافته و صنعتی اروپای غربی نیز از این بابت در امان نبوده و تعدادی از افراد خود را بنفع ایالات متحده آمریکا از دست میدهند، منتهی فرق آنها با کشورهای در حال توسعه آسیائی و آفریقائی آنست که در قبال از دست دادن این افراد کمبود خود را از نظر نیروی انسانی از این کشورها تأمین می کنند حال آنکه ممالک آسیائی و آفریقائی امکان آنرا ندارند که این زبان را از جهات دیگر جبران نمایند.

اگر چه مهاجرت مغزها شامل اکثر کسانی است که در رشته های فنی و علمی دارای تخصصی هستند ولی این مهاجرت بیشتر متوجه سه گروه مهندسين، پزشکان و دانشمندان (متخصصین در رشته های علوم مثل فیزیک و شیمی) یعنی بطور خلاصه متوجه طبقاتی است که پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی بستگی کامل بوجود آنها دارد.

برای بی بردن به اهمیت اجتماعی این سه رشته بی مناسبت نیست که بدانیم لااقل ۶۰ درصد از ۸۹ هزار نفر دانشجوی خارجی در آمریکا بتحصیل در این زمینه ها اشتغال دارند و ۶۶ درصد از فارغ التحصیلانی که در دوره های تکمیلی مشغول مطالعه و تحقیق هستند در این زمره قرار می گیرند.

بدیهی است در این رشته ها نیز بعضی شعب یا شاخه ها اهمیت بیشتری برای کشور جذب کننده دارد. مثلاً در رشته مهندسی، متخصصین برق و ماشین و در رشته علوم شیمی دانها و در زمینه طب، پزشکان مقیم در بیمارستان از این گروه هستند.

آمار دقیق نشان میدهد که در فاصله بین سالهای ۱۹۴۹ و پایان سال ۱۹۶۴ متجاوز از ۸۴۹۰۰ نفر دانشمند و مهندس و پزشک از نقاط مختلف دنیا به آمریکا آمده و در آن کشور مستقر گردیده اند.

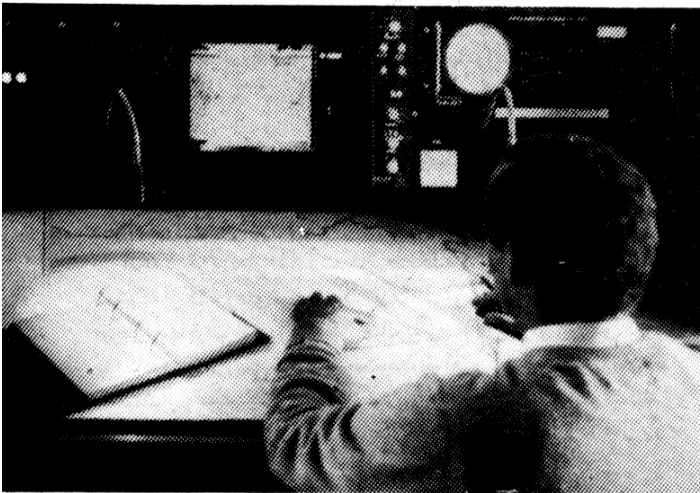
بدیهی است این رقم هر سال نسبت به سال قبل رو به افزایش است. بطوریکه تنها در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ تعداد ۱۵۵۲۳ نفر به ایالات متحده آمریکا وارد شده و در پایان سال ۱۹۶۶ تعداد دانشمندان و مهندسين و پزشکانی که برای همیشه در این کشور متوطن شده اند بالغ بر یکصد هزار نفر بوده است.

بنا به گفته يك دانشمند آمریکائی در سال ۱۹۶۴ هیچکس تاکنون درصدد برنیاوده است که حاصل کار و زحمت متخصصین خارجی را در طول اقامتشان در آن کشور از نظر پولی حساب کند ولی رویهمرفته میتوان گفت حاصل این فعاليتها رقمی است که قابل برابری و رقابت با جمع کمکهای خارجی آمریکا به کشورهای دیگر میباشد.

از اینجا میتوان به اهمیت جلب مغزها به داخل يك کشور و ارزشی که این مهاجرت ها برای توسعه اقتصادی و علمی هر جامعه دارد پی برد. مضافاً اینکه گفته دانشمند آمریکائی و مقایسه ای که بعمل آورده است مربوط به چندین سال قبل میباشد و امروز دامنه و اهمیت کار بمراتب بیش از آن تاریخ میباشد.

در مورد مهاجرت دانش آموختگان در هر يك از سه رشته فوق الذکر ارقام و آمار زیادی در دست است که ذکر آنها در این مقاله زائد به نظر میرسد. تنها یاد آوری این نکته را لازم میدانم که مهاجرت مهندسين نسبت به متخصصین دیگر همواره فزونی داشته و تا سال ۱۹۶۴ بیش از پنجاه درصد مهاجرین به ایالات متحده آمریکا را مهندسين تشکیل میداده اند. مثلاً در همین سال عده مهندسين خارجی که به آمریکا وارد شده اند معادل یازده درصد فارغ التحصیلان دانشگاههای آن کشور در آنسال و قسمت اعظم این واردات از کشورهای توسعه یافته بوده است. از نظر تقسیم جغرافیائی بد نیست بدانیم که ۲۰/۷ درصد این عده را یونان - ۲۳/۸ درصد را نروژ - ۲۲/۴ درصد را سوئیس و ۲۱/۸ درصد را هلند تأمین نموده است و رویهمرفته هر سال این نسبت ها يك الی دو درصد افزایش مییابد.

برخلاف کشورهای اروپائی که در آنها میتوان به آمارهای نسبتاً دقیق تر در باب مهاجرت افراد متخصص دسترسی پیدا کرد این آمارها در کشورهای آسیائی و آمریکای جنوبی بسیار ناقص و نارساست.



ولی من حیث المجموع میتوان گفت که در سالهای ۶۴-۱۹۶۲ نوزده درصد از مهندسين مهاجر از قاره آسیا بخصوص کشورهای چین و هند و ژاپن و ده درصد آن از کشورهای آمریکای لاتین بوده اند.

اگرچه این آمار و ارقام در مقام مقایسه با جمع عده ای که جامعه مهندسين آمریکا را تشکیل میدهند در وهله اول ناچیز بنظر میرسد ولی اگر نسبت به نیازهای کشورهای که این مهندسين از آنها مهاجرت مینمایند مقایسه شود آثار بسیار اسفناک این امر بهتر جلوه گر میشود.

مثلاً طبق تحقیقی که بوسیله یکی از کارشناسان موسسه کارآموزی و تحقیق سازمان ملل متحد بعمل آمده احتمالاً عده مهندسين ایرانی و چینی و کره ای که در رشته های جدید فارغ التحصیل شده و در آمریکا بسر میبرند از تعداد همقطاران آنها در کشور مولدشان زیادتر است. هرچند افزایش نسبی مهاجرت مهندسين و کارشناسان رشته های فنی به ایالات متحده به حدنصاب معینی رسیده و قطعاً در سالهای آینده مانند گذشته نخواهد بود ولی در مورد پزشکان هنوز نمیتوان چنین اظهار نظری نمود زیرا آمار و بررسیهای فعلی نشان میدهد که این افزایش نسبت به سالهای قبل همچنان رو به ترقی است. بطوری که تعداد پزشکان خارجی که در سال تحصیلی ۶۴-۱۹۶۳ وارد آمریکا شده اند معادل ۲۹ درصد مجموع فارغ التحصیلان پزشکی دانشگاهها و کالجهای این کشور در آن دوره بوده است.

برای مقایسه این افزایش کافی است بدانیم که نسبت پزشکان خارجی در سال ۱۹۵۰ قریب ۵ درصد فارغ التحصیلان و در سال ۱۹۶۱ بالغ بر ۱۸ درصد بوده و در سال ۱۹۶۴ به رقم شگفت آور مذکور در فوق یعنی ۲۹ درصد رسیده است.

قریب هشتاد درصد از این عده از کشورهای در حال توسعه به آمریکا وارد میشوند و در حالیکه اکثر قریب به اتفاق آنها رواید موقت یا رواید مبادله جهانگردی در دست دارند غالباً در آمریکا ماندگار شده و یا اینکه سالیان دراز ترک موطن و مولد خود را مینمایند.

زیانی که از این بابت به کشورهای در حال توسعه وارد میآید غیرقابل انکار و در بعضی موارد جداً نگران کننده است. مثلاً عده پزشکان آمریکای جنوبی مقیم ایالات متحده آمریکای شمالی در سال ۱۹۶۶ حدود ۶ هزار نفر یعنی معادل عده نفراتی بوده است که در هر سال تحصیلی از دانشگاههای این قاره فارغ التحصیل میشوند. بهمین ترتیب بیش از ثلث فارغ التحصیلان رشته پزشکی در یونان هر سال رهسپار آمریکا میگرددند.

ارزش مالی مهاجرت پزشکان خارجی به آمریکا بنا به نوشته روزنامه Medical Education تقریباً معادل جمع کمکهای طبی است که در کلیه زمینه ها از طرف این کشور بسایر ممالک میشود.

آنچه در مورد مهاجرت مغزها به آمریکا قابل توجه است تنها تعداد مهاجرین نیست بلکه کیفیت علمی ممتاز و متمایز اکثر آنهاست. مثلاً ۶۰ درصد آنها دارای درجه دکتر هستند، در حالی که بیش از ۳۷ درصد دانشمندان آمریکائی دارای این عنوان نیستند و یا اینکه ۲۴ درصد از

اعضاء آکادمی علوم آمریکا (American Academy of Sciences) را دانشمندان خارجی الاصل و ۱۸ درصد آنها را آمریکائیهائی تشکیل میدهند که تحصیلات و مطالعات علمی خود را در خارج از این کشور انجام داده‌اند.

بعلاوه باید دانست که از ۴۳ نفر آمریکائی که تا سال ۱۹۶۶ موفق بدریافت جایزه نوبل در رشته فیزیک و شیمی شده‌اند شانزده نفر از دانشمندان مهاجر بوده‌اند.

آنچه در فوق بدان اشاره شد مربوط بکلیه دانشمندان یعنی همه کسانی است که از کشورهای توسعه یافته یا ممالک توسعه نیافته به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده‌اند لیکن چنانچه وضع هریک از این دو گروه را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم مشاهده خواهیم کرد که بمرور زمان تعداد دانشمندانی که از کشورهای توسعه یافته به آمریکا مهاجرت میکنند رو به تقلیل و شمار مهاجران از کشورهای در حال توسعه سال به سال رو به تزاید است.

همچنین بررسی آمارهای موجود در این زمینه نشان میدهد که قاره

● فرار مغزها که خود از جهتی معلول عدم توسعه اقتصادی و فقدان وسایل تحقیق و مطالعه در یک جامعه است، از جهت دیگر موجب کندی پیشرفت امور اجتماعی در همان جامعه می‌شود و بدین ترتیب علت و معلول متقابلاً در یکدیگر اثر کرده و دایره‌ای معیوب بوجود می‌آورند.

● طبق تحقیقی که بوسیله یکی از کارشناسان موسسه کار آموزی و تحقیق سازمان ملل متحد بعمل آمده، شمار مهندسیان ایرانی و چینی و کره‌ای که در رشته‌های جدید فارغ‌التحصیل شده و در آمریکا به سر می‌برند، از عده همقطاران‌شان در کشورهای اصلی بیشتر است.

آسیا به علت اینکه دارای کشورهای پرجمعیت و روش‌های تعلیماتی مترقی تری از کشورهای خاور نزدیک و آفریقا میباشد از نظر تهیه سهمیه صادرات دانشمند به کشورهای توسعه یافته بخصوص آمریکا در بین سایر قاره‌ها رتبه اول را حائز میباشد.

با توجه بمراتب فوق این مسئله روشن میشود که با آنکه ایالات متحده آمریکا از نظر جذب مغزها بمنزله قطب جاذبی میباشد معذک یگانه هدف نیست و کشورهای توسعه یافته اروپای غربی نیز بنوبه خود مقصد تعداد قابل ملاحظه‌ای از این عناصر را تشکیل میدهند.

مثلاً در مورد جمهوری چین و کره جنوبی، بیشتر تحصیل کردگان آنها بطرف آمریکا و اقلیتی بطرف کشورهای اروپائی رهسپار میشوند و با آنکه ۶۵ درصد مهندسیان نوژی و هندی و ۶۷ درصد دانشمندان پاکستانی که جلای وطن کرده‌اند در آمریکا بسر نمی‌برند بلکه قسمت اعظم آنها انگلستان را برای اقامت خود اختیار کرده‌اند و حال آنکه ۵۰ درصد از دکترهای این کشور یعنی انگلستان خود در ممالک دیگر استقرار یافته‌اند.

بطور کلی میتوان گفت که کشورمی اروپائی بیش از آنچه متخصص به آمریکا میفرستند بین خود مبادله میکنند و همانطور که در فوق اشاره شد این کشورها کسری خود را بابت افراد متخصص که بعلت مهاجرت به آمریکا از دست میدهند از جانب کشورهای در حال توسعه آسیا و آفریقا جبران مینمایند و باین ترتیب تنها کشورهای اخیرالذکر هستند که از این جریان يك طرفه زبان می‌بینند و در قبال سرمایه گرانقدری که از دست میدهند هیچ چیز جایگزین آن نمیکند.

بدیهی است که این جریان از جهات مختلف وضع نگران کننده‌ای برای این کشورها ایجاد میکند که باید هرچه زودتر درصدد جلوگیری از آن

برآمد.

جالب توجه است که بدانیم از میان صدوپنجاه و نه کشور مستقل دنیا تنها بین ۱۵ تا ۳۰ کشور که تقریباً ثلث جمعیت جهان را دارند عملاً تمام دانش دنیا را بخود اختصاص داده و ۹۵ درصد بودجه‌های تحقیقات جهان را در اختیار دارند و بنابراین بیشتر بهره حاصل از این دانشها را بنفع خود گردآوری میکنند.

طبیعی است که کتاب و وسائل کار دانشمندان در جوامع پیشرفته بهتر تأمین میشود و از این راه نیز طالبین علم و تحقیق بیشتر بطرف آنها جلب میشوند و بدین ترتیب نیروی علمی و تحقیقی در این کشورها روز بروز غنی تر و وسیع تر میگردد. بدیهی است این تمرکز نیروی علم و تحقیق در نقاط معین، شکاف بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته را روز بروز عمیق تر میکند و موجب میشود که جریان توسعه اقتصادی در کشورهای عقب مانده همچنان در حال رکود باقی بماند زیرا تردیدی نیست که شرط داشتن اقتصاد سالم و مترقی، داشتن نیروی فکری باروری است که بتواند علوم جدید را در راه بهره برداری درست از منابع کشور بکار برد.

علل فرار مغزها

مهاجرت افراد متخصص و دانشمندان بکشورهای توسعه یافته معلول علل چندی است که از همه مهمتر و اساسی تر میتوان از عدم توسعه اقتصادی کافی در کشور فرستنده مهاجر نام برد. همانطور که در فوق اشاره شد این عدم توسعه، عوامل و عوارضی از قبیل فراهم نبودن وسائل کار و مطالعه و دستمزد کم و نقصان رفاه نیز به همراه دارد که در عین حال علت و معلول فرار مغزهاست. بدین معنی که در اثر مهاجرت دانشمندان و افراد متخصص که هر جامعه برای پیشرفت خود احتیاج بکار و نیروی فکری آنها دارد نوعی رکود در شئون مختلف اجتماعی پیدا میشود و این رکود بنوبه خود موجب مهاجرت افراد تحصیل کرده و فعال میگردد.

از آنجا که مسئله فرار مغزها در عصر ما یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی به حساب می‌آید، گذشته از مطالعاتی که تا امروز در داخل هر کشور بنابر مقتضیات و اوضاع اجتماعی خاص آن کشور در این باب بعمل آمده این مسئله مورد مطالعه و بررسی سازمانهای مختلف بین المللی و دانشمندان ذیصلاحیت قرار گرفته و موضوع تشکیل کنفرانسهای نیز بوده است.

همه محققین در این باب متحدالقول هستند که ریشه اصلی این مهاجرت‌ها در تفاوت فاحش و روزافزونی است که توسعه اقتصادی و صنعتی در مراحل مختلف خود در جامعه جهانی ایجاد کرده است. اختلاف دستمزد یکی از نتایج اولیه این تفاوت است که طبیعتاً تعدادی از افراد متخصص را که در جستجوی زندگی مرفه تری هستند بسوی خود میکشاند.

با این حال طبق تحقیقات دقیقی که بعمل آمده این مسئله به ثبوت رسیده است که در این مهاجرت‌ها آنچه بیش از دستمزد مورد توجه مهاجرین است وجود امکانات گسترده از نظر افزایش معلومات، آزادی فکر و عقیده و فراهم بودن وسائل بهتر برای تربیت فرزندان و امثال آنها میباشد.

مسائل دیگری از قبیل وجود تسهیلات در امر پذیرش مهاجر و غیره نیز در این نقل مکانها بی‌تاثیر نیست. ضمناً این مسئله جلب توجه مینماید که موضوع فرار مغزها با تشکیل دول کوچک و استقلال آنها در دهه‌های اخیر شدت بیشتری پیدا کرده است.

دلیل این امر آنست که با تشکیل دول کوچک در واقع جوامع کوچکی که امکانات مادی و معنوی محدودی در اختیار دارند بوجود می‌آید و چون عرصه عمل و فعالیت برای عناصر تحصیل کرده و متخصص در چنین جوامعی بحد کافی فراهم نیست، به فکر جلای وطن می‌افتند.

بررسی مسئله فرار مغزها و تجزیه و تحلیل ماهوی این امر محتاج مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. شاید بتوان گفت جامعترین و جالبترین مطالعه‌ای که در این باب

شده بوسیله «مرکز تحقیقات اروپایی» (Centre de Recherches Europennes) بوده است که چند سال پیش طی کنفرانسی در شهر لوزان بمنصه ظهور رسید.

در این کنفرانس که دانشمندان و متخصصین ده کشور از پنج قاره دنیا شرکت داشتند موضوع فرار مغزها تحت عنوان «گریز ماده خاکستری» مورد شور و تبادل نظر قرار گرفت و منتج به صدور اعلامیه‌ای شد که شامل نظریات کنفرانس بطور خلاصه در هشت ماده میباشد. درباره این کنفرانس و مذاکرات انجام شده در آن تاکنون کتابهایی نیز طبع رسیده که در آنها مسائل مربوط به مهاجرت مغزها بطور تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مسلماً مطالعه آنها نکات مهمی را از نظر علمی روشن میکند. قبل از اینکه به بررسی مواد هشتگانه اعلامیه کنفرانس بپردازیم لازم است این نکته یادآوری شود که بنظر اعضاء کنفرانس مزبور فرار مغزها نتیجه عدم تعادلهای اساسی است که در کشورهای فرستنده و پذیرنده مغزها وجود دارد. در مورد کشورهای درحال توسعه باید گفت این مهاجرتها معلول و در عین حال علت عوامل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است که در عبارت عدم توسعه مستتر میباشد.

از طرف دیگر بنظر این کارشناسان توسعه اقتصادی تنها تربیت و یا آماده ساختن افراد متخصص نیست بلکه بوجود آوردن شرایط و اوضاع و احوالی است که بتوان بنحو مؤثری از این متخصصین استفاده نمود. مشکل اساسی اکثر کشورهای توسعه نیافته عبارت از نداشتن همین قوه جذب و بعبارت دیگر فقدان مؤثر این تقاضای اقتصادی است و از اینجا میتوان گفت آن جامعه یا ملتی بمرحله توسعه وارد میشود که بتواند برای متخصصین و افراد تحصیلکرده خود امکان کار و تحقیق فراهم آورد. به بازار آمدن نیروی فکری انسانی افزون بر نیروی مالی بهیچوجه موجب توسعه يك جامعه نیست. این دو نیز و با همراهی نیروی کار باید دوش بدوش و بموازات هم جلو بروند و بطور مساوی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرند. در غیر اینصورت چنانچه مجاهدت بیشتری برای توسعه و تکمیل یکی از این سه عامل بکار رود بامید آنکه عوامل دیگر ناچار از آن بیروی خواهند کرد نتیجه مثبتی بدست نخواهد آمد زیرا تجربه نشان میدهد که این عوامل از یکدیگر تبعیت نخواهند کرد.

بنا به این دلیل اگر کشورهای توسعه یافته واقعاً قصد کمک بکشورهای در حال توسعه را دارند باید بجای صرف وقت جهت یافتن علل فرار مغزها از این کشورها، هم خود را وقف توسعه اینکشورها کنند و مراقبت نمایند که کمکهای آنها در جای خود و بنحو مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

کنفرانس لوزان پس از يك اظهار نظر کلی بشرح فوق توصیه‌های قابل توجهی بقرار زیر جهت حل مسئله فرار مغزها عنوان میکند:
(۱) افزایش دستمزدها در اروپای غربی در زمینه‌هایی که کسری استعدادها موجود است.

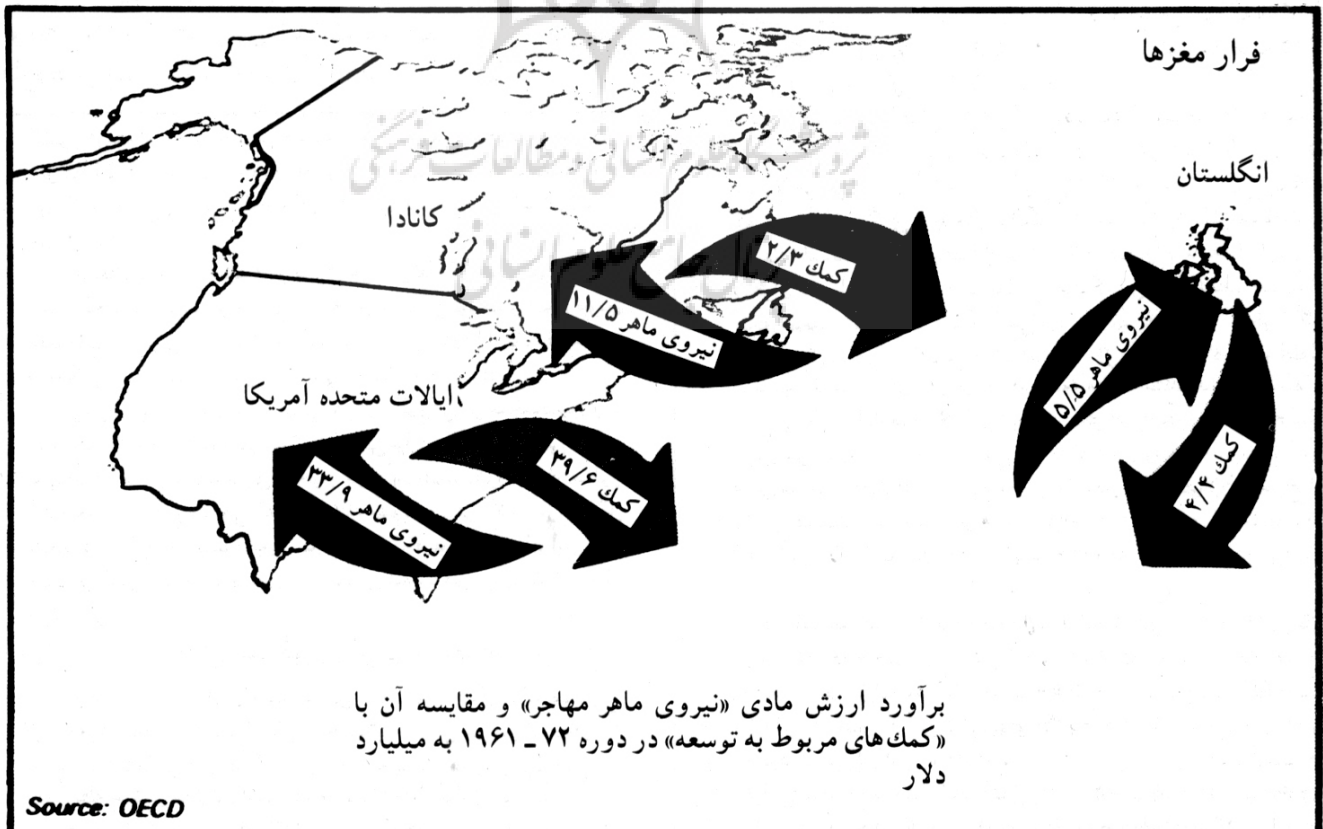
(۲) افزایش دستمزدها در کشورهای توسعه نیافته بمنظور کاهش روند از دست دادن شخصیت‌های علمی. در این مورد اشاره به وضع موجود در فیلیپین شده است که نه تنها افراد متخصص از آنجا به خارج مهاجرت میکنند بلکه عده زیادی از افرادی که باقی میمانند از حرفه خود دست کشیده و بکارهای انتفاعی میپردازند.

(۳) ایجاد امکانات بیشتر برای پیشرفتهای حرفه‌ای در داخل کشورها بخصوص برای افراد جوان در رشته‌های پزشکی و مهندسی و علوم دقیقه.

(۴) ایجاد امکانات بیشتر برای کسانی که طالب تحقیق و تجربه و ابتکار هستند و یا اینکه مایل به سهم شدن در اداره امور اجتماعی و تشریک مساعی با يك طبقه منتخب هستند.

(۵) نظارت در امر تعلیم و تربیت بنحویکه تربیت متخصصین از نظر تعداد براساس احتیاجات جامعه صورت گیرد و کاستن از عده کسانی که برای تحصیل به کشورهای خارج اعزام میشوند (مخصوصاً در ممالک درحال توسعه) و محدود کردن این افراد با توجه به نیازمندیهای کشور. در این مورد باید مراقبت کرد که افراد جوان حتی الامکان از کشور خارج نشوند و مدارج تحصیلی اعزام شوندگان در سطح دکترا باشد. در این قسمت بویژه باید مراقبت شود که از معلومات تحصیل کردگان بنحو مؤثری بهره‌برداری شود.

(۶) توسعه و تکمیل استقلال سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای بدین معنی که اگر کشوری نتواند از تمام جهات احتیاجات خود را در زمینه‌های فوق تأمین نماید امکان آنرا دارا باشد که کسری موجود را در محدوده



منطقه‌ای که در آن قرار گرفته جبران کند.

۷) حذف و الغاء تبعیضات و کاستن از جریان‌های افراطی که ناشی از دسته بندیهای خانوادگی و قبیله‌ای و یا تعصبات مربوط به ملیت و سیاستهای گوناگون است.

تردیدی نیست که در دنیای امروز هیچ قومی نمیتواند بعلت داشتن این تعصبات از استعدادهای موجود در قلمرو خود اظهار بی‌نیازی کند و از آنها چشم ببوشد.

۸) حذف محدودیتهای انحصاری از قبیل آنچه «انجمن پزشکی آمریکا» (American Medical Association) اعمال میکند و موجب پیدایش یک نوع جاذبه مصنوعی برای پذیرفتن متخصصین سایر کشورها میشود.

بدیهی است کیفیت و اثر هر یک از مسائل فوق در مناطق مختلف متفاوت است. مثلاً موضوع اعزام محصل بخارج از کشور و مسئله بازگشت آنها برای کشوری چون ایران در درجه اول اهمیت قرار دارد. در صورتیکه مسئله حذف و الغاء تبعیضات نژادی یا تبعیضات دیگر به علت منفی بودن موضوع از نظر ما مشکلی ایجاد نمیکند. از آن گذشته هر یک از موارد فوق قابل تجزیه و تحلیل‌های دقیق و وسیعی است که در این مقاله مختصر مجال پرداختن به آنها نیست. همین قدر لازم است یادآور شود که مثلاً درباره اعزام محصل بخارج از کشور و اثرات آن و اینکه اصولاً تربیت یافتن متخصصین در کشورهای توسعه یافته تا چه حد بحال

● شمار پزشکان اهل امریکای جنوبی که در سال ۱۹۶۶ در ایالات متحده آمریکا اقامت داشتند حدود ۶ هزار نفر یعنی معادل عده کسانی بوده است که در هرسال تحصیلی از دانشگاههای سراسر امریکای جنوبی فارغ‌التحصیل می‌شده‌اند.

● قاره آسیا به علت داشتن کشورهای پر جمعیت و نیز روش‌های تعلیماتی مترقی‌تر نسبت به کشورهای خاور نزدیک و افریقا، از نظر سهمیه صادرات دانشمندان به جوامع توسعه یافته، بخصوص ایالات متحده آمریکا، در بین قاره‌های جهان رتبه نخست را دارد.

کشور فرستنده مفید واقع خواهد شد چندین موسسه تخصصی سازمان ملل مطالعات دامنه‌داری انجام داده و یاد در شرف انجام آن هستند که خود میتواند موضوع بررسی علیحده‌ای واقع شود و نتایج بسیار مفیدی از آن حاصل گردد.

با اینحال درباره مسئله فرار مغزها خواه از نظر کیفیت و خواه از نظر کمیت معلومات دقیق و جامعی در اختیار محققین نیست و همین نبودن معلومات یا آمار و ارقام دقیق موجب شده است که نتوان از یک زاویه کلی و همگانی این مسئله را مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

بفرض اینکه ارقام و مشخصاتی درباره گروهی از متخصصین و یا نسبت به یک یا چند کشور در دست باشد نمی‌توان حکم جامع و کلی در این باب صادر کرد و نتیجه‌گیری صحیح نمود. باینجهت بطوریکه در سطور آینده خواهیم دید از موقعی که این مسئله مهم در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته بیشتر سعی سازمانهای تخصصی مربوطه این بوده است که آمار و ارقام صحیحی از کمیت و کیفیت این مهاجرت یک طرفه بدست آورند.

راه‌های جلوگیری از فرار مغزها

باتوجه به آنچه در فوق گفته شد این مطلب ثابت میگردد که موضوع فرار مغزها پدیده‌ای است که در نتیجه تأثیر متقابل عوامل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در یکدیگر در یک جامعه بوجود می‌آید و باصطلاح اثر یک رابطه علت و معلولی است که مستقیماً قابل مبارزه نیست. تجربه نشان میدهد که اقدامات و مجاهداتی که در بعضی از

کشورها بدون در نظر گرفتن این اصل برای جلوگیری از مهاجرت متخصصین و دانشمندان بعمل آمده اکثراً به نتیجه مثبت نرسیده و یا اینکه نتایج حاصله در مقابل زحمتی که بخرج رفته و هزینه‌هایی که انجام شده بسیار ناچیز بوده است.

راه اساسی و موثر مبارزه با فرار مغزها در یک جامعه بوجود آوردن شرایط مناسب کار و تحقیق و دستمزد کافی و از بین بردن تبعیضات و تعصبات است که خود بخود موجب جلب روشنفکران میگردد.

در کشور ما متأسفانه هیچوقت توجهی اصولی و اساسی به این مطلب نشده و از همین رو مسئله مهاجرت مغزهای پرورش یافته روز به روز ابعاد گسترده‌تر و نگران‌کننده‌تری بخود می‌گیرد.

باید دانست که قائل شدن امتیازهایی از قبیل معافیت گمرکی اسباب و اثاثیه زندگی یا اجازه وارد کردن یک دستگاه اتومبیل بدون پرداخت عوارض گمرکی و مانند اینها اقداماتی است که نه تنها تأثیر مثبتی در حل این مسئله ندارد بلکه در برخی موارد منتج به نتایج معکوس نیز می‌شود. تا زمانیکه تبعیض از میان نرود و وسائل کار و تحقیق یا پژوهش در کشوری فراهم نباشد و رفاه زندگی در حد معقول و متعادل برای طبقه متخصص و پژوهشگر تامین نشود نباید انتظار داشت که این طبقه با طیب خاطر به موطن خود باز گردند.

در نظام گذشته اقداماتی که گهگاه برای بازگرداندن فارغ‌التحصیلان به کشور به عمل می‌آمد چنان ناشیانه و دور از منطق بود که نه تنها نتایج مثبتی بیار نمی‌آورد بلکه چه بسا اوقات موجب تعجب و تحیر ناظران امر می‌گردید. مثلاً گاهی هیئت‌هایی برای این منظور به خارج از کشور اعزام می‌شدند ولی مسافرت این هیئت‌ها اکثراً در فصل تابستان یعنی موقع تعطیل بودن آموزشگاهها و تنها به کشورهای صورت میگرفت که اسباب سیر و سیاحت و تفریح یا خرید بیشتر و بهتر فراهم باشد و حال آنکه اگر هدف واقعی تماس با دانشجویان بود می‌بایست این نقل مکانها در جریان سال تحصیلی و به تمام نقاطی که دانشجویان ایرانی در آنجا به تحصیل اشتغال داشتند انجام می‌شد. مثلاً هرگز دیده نشد که هیئتی به کشور هند یا پاکستان که هزاران دانشجوی ایرانی آنهم از طبقات تنگدست کشور در آنجا مشغول تحصیل بودند اعزام شوند در صورتیکه اگر قرار بود کسی را بتوان به کشور بازگرداند و به آینده امیدوارش ساخت از میان همین طبقه زحمتکش و دود چراغ خور بود نه از میان آنهایی که در ناز و نعمت در کشورهای پیشرفته اروپائی یا آمریکائی با رفاه و آسایش زندگی می‌کردند.

عیب دیگر سیاست گذشتگان در این زمینه یعنی جلب فارغ‌التحصیلان آن بود که به جای آنکه به سراغ عناصر ممتاز و دانش‌آموختگان زبده که معمولاً مردمی کم ادعا و سر برآه بودند بروند، به دنبال کسانی میرفتند که شهرت آشوبگری و جنجال برانگیزی و مخالفت با حکومت وقت را داشتند. استدلال یا استنباط این بود که مخالفین را باید به راه آورد، با دیگران که مشکلی در میان نیست. در حالیکه این رویه غلط، گذشته از آنکه ضعف دستگاه را آشکار می‌کرد موجب بدبینی و سرخوردگی دانشجویان واقعی میگردد بنحویکه آنها را از همکاری با دولت و اظهار صمیمیت نسبت به آن دور می‌ساخت. همه می‌دانستند ریشه مخالفتها و نارسائی اکثر دانشجویان ایرانی از جای دیگر آب میخورد ولی هیچکس حاضر نبود یا به صلاح خویش نمی‌دید که به دنبال واقعیت امر برود. بنابر همین سیاست غلط هیئت‌هایی که برای جلب فارغ‌التحصیلان به خارج از کشور فرستاده می‌شدند هرگز به سراغ افراد زبده و ارزنده‌ای که تعدادشان زیاد است و در سراسر دنیا پراکنده و مایه افتخار ایران و ایرانیان هستند نرفتند.

در باب جلوگیری از مهاجرت مغزها تدابیر زیادی از طرف کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای پذیرنده اتخاذ شده که چون اکثراً متوجه به علل اصلی نبوده متأسفانه به نتایج مطلوب نرسیده است. مثلاً وضع مقرراتی از قبیل گرفتن تضمینهای لازم قبل از خروج فرد از کشور، محدودیت فروش ارز به دانشجویان و یا محدود کردن عده دانشجویان اعزامی به خارج و امثال اینها کم و بیش با عدم موفقیت روبرو بوده است. دولت آمریکا، چند سال قبل، از بیم آنکه موج مهاجرین و کثرت آنها در

استفاده بیشتر و بهتر از نیروی انسانی و بهره برداری از معلومات افراد تحصیل کرده در این کشورها ارائه کنند.

سازمان ملل و مسئله فرار مغزها

«اثر مهمی که مهاجرت مغزها در توسعه یا عدم توسعه کشورها دارد و عدم تعادلی که در نتیجه این مهاجرتها در وضع اقتصادی و پیشرفت فکری ملل دنیا بوجود آمده موجب شده است که این مسئله جنبه جهانی بخود گرفته و از چند سال قبل مورد مطالعه شورای اقتصادی و اجتماعی و تعدادی از سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد قرار گیرد. اقداماتی که بوسیله این سازمانها بعمل آمده و نتایجی که از آنها گرفته میشود بقرار زیر است:

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد با همکاری (انستیتیوی تحقیق و کارآموزی سازمان ملل متحد) گزارشی به بیست و سومین دوره اجلاس مجمع عمومی تسلیم کرد که در آن جنبه های مختلف مهاجرت مغزها مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته و شامل نظرات چند کشور و موسسات تخصصی سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی میباشد.

این گزارش که بنابر تقاضای مجمع عمومی طی قطعنامه شماره ۲۳۲۰ تهیه شده است چگونگی کشیده شدن مغزها بسوی کشورهای توسعه

توزیع نسبی فارغ التحصیلان هند از کشورهای بیگانه بر حسب درجه مدرک تحصیلی (۱۹۷۱)

محل اخذ مدرک تحصیلی	کلیه رشته ها			
	دکتر	فوق لیسانس	لیسانس	سایر
انگلستان و ایرلند شمالی	۳۵/۲	۳۹/۵	۲۳/۷	۳۳/۴
ایالات متحده آمریکا	۴۰/۵	۴۰/۷	۱۴/۱	۲۸/۰
کانادا	۴/۰	۲/۰	۱/۲	۲/۰
اتحاد جماهیر شوروی	۳/۵	۰/۹	۱/۴	۱/۶
آلمان	۶/۴	۲/۰	۰/۸	۳/۱
فرانسه	۱/۸	۱/۰	۱/۲	۱/۳
سایر کشورهای اروپائی	۴/۷	۲/۹	۳/۱	۳/۷
استرالیا و نیوزیلند	۱/۲	۱/۰	۰/۶	۱/۰
ژاپن	۰/۳	۰/۳	۰/۹	۰/۷
سایر کشورها	۲/۴	۹/۷	۵۲/۰	۳۲/۶
مجموع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

یافته و همچنین طرقي را که برای تسريع تربیت افراد متخصص در کادر ملی موجود اسبق تشریح می کند.

۲- در نتیجه تجربه ای که بوسیله UNDP (برنامه سازمان ملل متحد برای عمران) در باره واگذاری بورسهای دوره های تخصصی به اتباع کشور های مختلف بدست آمده معلوم شده که تنها يك درصد از استفاده کنندگان از این بورسها بوطن خود بازنگشته و تنها پنج درصد از آنها پس از بازگشت به مشاغل پیشنهادی دولت متبوع پاسخ مثبت نداده اند. این تجربه موید مطالبی است که در فوق در باره اعزام افراد در مراحل عالی تحصیل بدان اشاره شد. بدین معنی که احتمال بازگشت کسانی که بعد از خاتمه تحصیلات به خارج عزیمت می کنند و یا موقعیت اجتماعی نسبتا مهمی دارند بمراتب بیش از جوانان در سنین پائین و در مراحل تحصیلی دانشگاهی است.

چون سال قبل از تشکیل کنفرانس، دبیر کل سازمان ملل متحد موسسات یونسکو و یونیتار را مامور کرده بود که با همکاری سازمانهای ذیعلاقه دیگر مطالعات کاملی درباره مهاجرت مغزها بعمل آورده و جنبه های مختلف این موضوع را از نظر کمیت مهاجرین و رشته های تخصصی و مدت اقامت آنها در کشورهای خارجه مورد بررسی قرار دهد. انستیتیوی کارآموزی و تحقیق سازمان ملل متحد (UNITAR) براین عقیده است که انجام این مطالعه در شرایط حاضر یعنی با نداشتن آمار صحیح و دقیق از تعداد مهاجرت کنندگان در کشورهای توسعه نیافته و کشورهای پذیرنده کاری دشوار و غیر عملی است. بنظر سازمان مزبور در دنیای کنونی حتی

آمریکا ضرری متوجه منافع عمومی سازد و برنامه های خصوصی مبادلات بین المللی را دچار وقفه کند اقدام به برقراری مبادله مسافر و وضع مقررات دیگری نمود که بموجب آن به کسانی که برای مطالعه یا تحصیل به آن کشور وارد میشوند اجازه نینماید بعنوان مهاجر در آن کشور رحل اقامت بيفکنند مگر اینکه برای مدت دو سال از کشورهای متحده آمریکا خارج شوند.

این مقررات بهیچوجه نتوانست کمکی به نفس امر یعنی پس فرستادن متخصصین بوطن آنها بنماید زیرا اکثر آنها این مدت دو سال را در کشورهای مجاور مثل کانادا یا مکزیک بسر برده و سپس به آمریکا باز میگشتند.

یکی از طرق جلوگیری از فرار مغزها که از بکار بستن آن نتایج نسبتا رضایت بخشی حاصل شده موضوع برنامه ریزی طویل المدت و دقیق برای استفاده از نیروهای انسانی است که متاسفانه تاکنون در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این رویه بوسیله کشورهای پیشرفته سوسیالیست در کشورهایی مثل مغولستان و کره شمالی که توسعه کافی پیدا کرده اند بمرحله عمل درآمد و نتایج مطلوبی از آن حاصل شده است.

تربیت متخصص و اهل فن بقدر احتیاج و متناسب با رشته های فعال در کشوری که دارای اقتصاد برنامه ریزی شده باشد در واقع کمک اساسی به تحکیم زیربنای اجتماعی آن کشور است. کمک کشورهای توسعه یافته بکشور های در حال توسعه وقتی میتواند واقعا اساسی و موثر و حقیقی باشد که بنحوی از انحاء زیربنای اجتماعی این کشورها را مستحکم نماید نه آنکه بصورت دادن وام یا مواد مصرفی و امثال آنها انجام شود.

دولت هند اقدام بتاسیس يك نزع خزانه یا (POOL) در این زمینه کرده است. بدین معنی که فارغ التحصیلان این کشور در رشته های فنی و علوم پس از بازگشت از خارجه تا هنگامی که موفق به پیدا کردن کاری فراخور حال خود نشده اند از این خزانه حقوق دریافت میدارند و در پلاتکیفی بسر نمیرند و تجربه نشان میدهد هشتاد درصد اعضای خزانه مشاغل موافق میل و رشته تخصصی خود بدست آورده اند.

لیکن روشی که تا امروز بیش از سایر روشها متضمن نتایج نیک بوده آنست که کسانی برای ادامه تحصیلات به خارج فرستاده شوند که عالیترین مراحل آموزشی را در رشته های مورد علاقه در کشور خود گذرانیده باشند. این سیاست بوسیله چند کشور تاکنون بمرحله عمل در آمده و موثر بودن آن در جلوگیری از مهاجرت مغزها مورد تایید قرار گرفته است.

اتخاذ این سیاست این امکان را بوجود میآورد که بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه موافقتهایی در زمینه مبادله دانشجو تنها باین منظور بعمل آید که کشور فرستنده برای بهره برداری از معلومات این افراد اقدام به اعزام آنها مینماید و کشور های پذیرنده هیچ اقدامی که مانع عملی شده این منظور باشد بعمل نیاورند. اتخاذ سیاستهایی از این قبیل تا حد زیادی در برطرف کردن مشکل مهاجرت مغزها موثر است ولی متاسفانه باید گفت تاکنون گامهای موثری در این باره برداشته نشده است.

مسلم است که يك همکاری نزدیک بین المللی در این زمینه ضروری بنظر میرسد و الا تا زمانی که نقل و انتقال مغزهای پرورش یافته تابع بازار عرضه و تقاضاست، نه تنها جریان آنرا با اقدامات منفرد نمیتوان متوقف نمود و نه تنها از شدت آن نمیتوان کاست بلکه روز بروز افزایش آن نسبت تصاعدی بخود خواهد گرفت. سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی وابسته به آن بعلت اطلاعات صحیحی که در باره مشاغل و نیازمندیهای ملل مختلف از نظر کارشناس و افراد متخصص در زمینه های گوناگون دارند میتواند خدمات موثری بصورت توصیه به کشورهای ذینفع بنماید مثلا همانطور که این موسسات در مواقع لزوم برای اجرای برنامه های خود از متخصصین کشورهای مختلف استفاده مینمایند میتواند توسط نمایندگان خود در ممالک توسعه نیافته کمکهای فکری لازم را برای

برای نمونه يك کشور وجود ندارد که بتواند آمار صحیح و جامعی در این زمینه ارائه دهد. با وجود این تا زمانی که این امر جامعه عمل بخود نبوشیده استستیتوی نامبرده تحقیقات خود را درباره مهاجرت مغزها بطرق مشروح در زیر ادامه خواهد داد:

اولاً- انتشار نشریه‌ای که در آن علت و نتایج و اشکالات ناشی از فرار مغزها و همچنین طرق جلوگیری و یا خنثی کردن اثرات منفی آن تشریح شود.

ثانیاً- پرسشنامه‌هایی به کشورهای در حال توسعه تسلیم شود. که در آن از تعداد مهاجرین و تعداد دانشجویانی که از سال ۱۹۵۵ به خارج از کشور عزیمت کرده‌اند و نام کشورهایی که در آنجا به تحصیل اشتغال دارند و طرز انتخاب کسانی که بخارج اعزام میشوند یا نوع گذرنامه‌ای که در دست دارند، سیاست یا رویه‌ای که دولت برای بازگشت دادن این دانشجویان پس از ختم تحصیل اتخاذ کرده و یا کمک‌هایی که پس از بازگشت در اختیار آنان می‌گذارد اطلاعاتی خواسته شود.

استیتوی کارآموزی و تحقیقات امیدوار است که با جمع‌آوری این اطلاعات بتواند نظر جامع و کاملی درباره کیفیت و کمیت مسئله فرار مغزها بدست آورده و قادر باشد عنداللزوم راهنمایی لازم را برای مقابله با این مشکل به کشورها بنماید.

سوم «نظر باینکه استیتوی نامبرده در نظر دارد بطرزی سیستماتیک علت و چگونگی مهاجرت مغزها را مورد بررسی قرار دهد اقدام به تهیه و

● تمرکز روز افزون نیروی علم و تحقیق در کشورهای پیشرفته، شکاف بین جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته را روز به روز عمیق‌تر می‌کند و موجب رکود جریان توسعه اقتصادی در جوامع اخیرالذکر می‌گردد زیرا شرط داشتن اقتصادی سالم و مترقی، بهره‌مندی از نیروی فکری باروری است که بتواند علوم و تکنولوژی جدید را در راه بهره‌برداری درست از منابع ملی بکار گیرد.

نشر پرسشنامه‌های نوع دیگری نیز کرده است که بوسیله يك هیئت بین‌المللی ضمن مصاحبه با افراد در محل تکمیل میگردد. استیتوی کارآموزی انتظار دارد پس از کسب نتایج حاصل از این اقدام بتواند بنحو قاطعی درباره چگونگی این امر و طرز جلوگیری از آن اظهار نظر نماید. چهارم « استیتوی کارآموزی و تحقیق مشغول مطالعه برای پیدا کردن طرزی است که آمارهای رسمی را بتوان از نظر برآورد تعداد موارد مهاجرت مغزها اصلاح نمود.

بدیهی است جمع‌آوری اطلاعات فوق حتی برای کشورهای توسعه یافته که مجهز به دستگاههای دقیق آمارگیری هستند کاری بس دشوار است ولی همانطور که در فوق اشاره شد برای مطالعه جنبه‌های مختلف فرار مغزها در اختیار داشتن این اطلاعات ضروری است و از آنجایی که موضوع در سطح بین‌المللی قرار دارد این مطلب حائز اهمیت است که اطلاعات راجع به ورود و خروج مهاجرین از کشورها باهم قابل مقایسه و سنجش باشد.

بنابراین لازم است در این مورد تمام کشورها با روش‌های مشابه اقدام به تهیه آمار و اطلاعات در زمینه‌های مختلف مربوط بمهاجرت مغزها یا بازگشت آنها بنمایند تا بتوان در يك ارزیابی بین‌المللی آنها را باهم مقایسه و نتیجه‌گیری نمود.

در غیر اینصورت یعنی تا زمانی که هر کشور بنا بر سلیقه و روش خاص خود اقدام باینکار مینماید نمیتوان انتظار داشت که نتیجه مطلوبی از آن حاصل شود.

پنجم- سازمان بین‌المللی کار با همکاری یونسکو و یونیتار اقدام به دو نوع بررسی در مورد مهاجرت مغزها نموده است. هدف یکی از این بررسیها نشان دادن تاثیر و عکس‌العمل این مهاجرتها در توسعه

اقتصادی مناطق در حال توسعه بطور کلی و نیز تشریح و توضیح طرق مختلفی است که برای تقلیل مهاجرت مغزها اتخاذ گردیده و با اینکه باید با حذف علل آن اتخاذ شود.

هدف دیگر این بررسی آنست که درباره امکان جبران خسارتی که از راه مهاجرت افراد متخصص و دانشمندان به کشورهای فرستنده مهاجر وارد می‌آید مطالعاتی بعمل آمده و راه چاره‌ای ارائه شود.

ششم - هر چند مشکلی که بعلت مهاجرت افراد متخصص در زمینه‌های علوم و فنون در جامعه‌ای بوجود می‌آید هنوز در زمینه کشاورزی موجود نیست با وجود این سازمان جهانی خواربار و کشاورزی با کمک UNDP فعالیت زیادی بخرج میدهد که بحد کافی افراد متخصص در زمینه کشاورزی و تغذیه در داخل هر منطقه تربیت کند و معتقد است که باینوسیله میتوان امور کشاورزی را در مراحل مختلف با آماده کردن عده لازم در محل توسعه داد.

بنظر این سازمان اعزام افراد بخارج از کشورهای خود جز در مواردی که تحصیل معلوماتی در رشته‌های تحقیقی مافوق دانشگاهی و تحقیقات عالی مطرح باشد مقرون بصلاح نیست و بمراتب مفیدتر است که افراد در همان محلی که آموزش پیدا میکنند بکار مشغول شوند. تجربیاتی که سازمان جهانی خوار بار و کشاورزی در این باب حاصل نموده نشان میدهد که اقامتهای طویل‌المدت در خارجه و آشنائی با طرز زندگی متفاوت، عامل موثری برای ایجاد مهاجرت مغزها میباشد.

هفتم - تجربه‌ای که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره واگذاری بورسهای آموزشی تکمیلی به دست آورده نشان میدهد که در سال ۱۹۶۵ از ۱۵۰۰ نفری که از این بورسها استفاده کرده‌اند نود و پنج درصد آنها به کشور خود بازگشته و در رشته مورد تخصص خود بکار مشغول شده‌اند. این نسبت قابل توجه در نتیجه آن است که اولاً استفاده کنندگان قبل از عزیمت تعهد سپرده‌اند که پس از خاتمه تحصیل دو سال برای کشور خود کار کنند و ثانیاً کشور فرستنده متعهد شده است که در بازگشت وسائل لازم را برای کار و تحقیق در اختیار آنها بگذارد.

هشتم - تجربه حاصله بوسیله مرکز بین‌المللی فیزیک تنوریک در تربیت نشان میدهد که چنانچه وسائل تحقیق و تجربه و نیز امکان پیدا کردن تماس با همقطاران برای دانشمندان فراهم شود تمایل آنها برای مهاجرت تخفیف پیدا خواهد کرد.

روش مرکز مزبور بدینقرار است که سه یا چهار ماه از سال به فیزیکدانهای کشورهای توسعه نیافته امکان میدهد که بهزینه این مرکز در تربیت اقامت نموده و در زمینه کار و رشته مورد علاقه خود با دانشمندانی که از سایر نقاط دنیا بآنجا می‌آیند تماس حاصل نمایند.

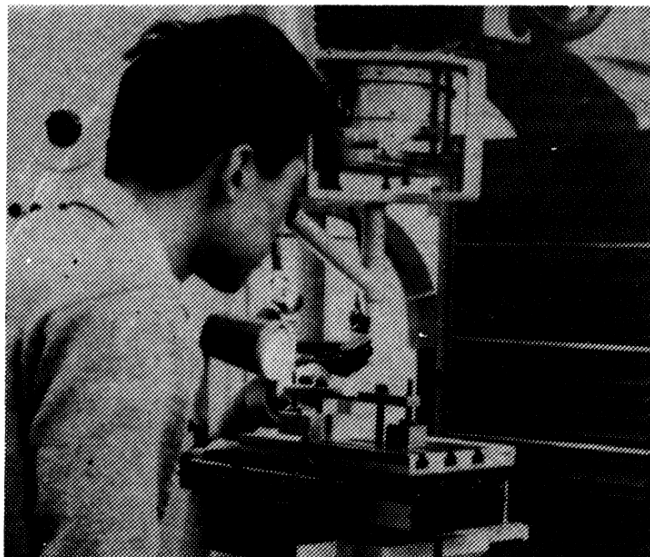
باین ترتیب کسانی که کسری کار خود را باین طریق جبران نموده‌اند بقیه سال را در کشور خود میگذرانند و از فکر اقامت گزیدن بطور دائم در يك کشور خارجی انصراف پیدا میکنند.

نهم - نظر باینکه گروه پزشکان و پرستاران جزء دسته‌هایی هستند که بیشتر از دیگران در معرض مهاجرت و ترک زادگاه خود میباشند و جلوگیری از آن تاکنون مواجه با اشکالات زیادی بوده، سازمان بهداشت جهانی سه راه حل پیدا نموده بدین قرار که اولاً از بورسهای تکمیل حتی الامکان در مناطقی استفاده شود که با موطن استفاده کنندگان از نظر اجتماعی تفاوت زیادی نداشته باشد.

ثانیاً: این بورسها تا حد امکان به کسانی واگذار شود که شخصیت و مقامهای مهمی دارند و بعلت پای بند بودن بموقعیت اجتماعی خود مقید به بازگشت به کشورشان هستند. ثالثاً استفاده کنندگان از بورسها متعهد شوند که لااقل در مدت معینی پس از خاتمه تحصیل بمیهن خود بازگردند.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران و نیز با توجه به جنبه‌های روانشناسی ملی اتخاذ سیاستهای خاص برای جلوگیری یا کاستن از جریان فرار مغزها ضروری بنظر میرسد. در این



مورد توجه و اکرام هستند.

۵) تشکیل مراکز تحقیق و مطالعه در رشته های مختلف علوم و فنون و عمومیت دادن آنها و تشویق کسانی که در این مراکز موفقیت‌هایی بدست می‌آورند، شرکت دادن بیشتر مهندسی و دانشمندان در اداره کارخانجات و تاسیسات صنعتی و برانگیختن منافع آنها در اینکار و کمک مالی باین موسسات برای استخدام طبقه تحصیلکرده.

۶) برقراری بورسها و مبادلات فرهنگی در سطح دوره های تکمیلی و تخصصی یا تجربی در کادر منطقه ای. مهمترین فایده این سیاست آنست که استفاده کنندگان از این بورسها به تجربیات و روش کار کشورهای مجاور آشنائی پیدا کرده و عندالزوم میتوانند با معاضدت یکدیگر تشکیل واحدهای کامل و مستقلى را در رشته های مربوطه بدهند.

ضمناً آشنائی به طرز زندگی و وضع اجتماعی این کشورها می تواند منشاء اثرات زیادی از جهت ایجاد علاقه های ملی و میهنی قرار گیرد.

۷) تاسیس يك مرکز کاربایی در ایران بنحوی که فارغ التحصیلان پس از بازگشت و حتی قبل از بازگشت بتوانند برای یافتن شغلی مناسب رشته تخصصی و تمایل خود، با این مرکز تماس گرفته شرایط خود را ارائه دهند و اطلاعات لازم را بدست آورند.

همچنین کارفرمایان و موسسات دولتی که احتیاج بااستخدام متخصصین در رشته های مختلف دارند تقاضای خود را باین مرکز بفرستند. این مرکز میتواند گذشته از کاربایی منشاء راهنماییهای دیگری برای فارغ التحصیلان قبل از ورود و یا بعد از ورود بایران باشد و از اتلاف وقت و ناراضائی آنها بعلت مراجعات بموسسات دولتی و غیره بکاهد. بعلاوه در چنین مرکزی امکان تماس و تبادل نظر و بهره برداری از آن در رشته های مختلف برای فارغ التحصیلان در رشته های مشابه زیاد است و از اینکه هریک از آنها در بدو ورود منفرداً برای جستن راه و امکانات موجود در اجتماع اقدام نموده و بعلت عدم آشنائی کامل به جوانب امر مقداری از این امکانات را از نظر دور بدارند منتفی خواهد بود. در حال حاضر تاسیس مرکزی یا مراکز کاربایی بسیار ضروری بنظر میرسد و از جمله مسائلی است که دولت باید توجه به آنرا در درجه اول اهمیت قرار دهد.

● توضیح

در شماره ۴۰ ماهنامه، مقاله ای با عنوان «پیشرفت یا نابسامانی» به قلم آقای دکتر حسین شهیدزاده به چاپ رسید. در مقدمه مقاله توضیح داده شده بود که این مطلب فصلی از کتاب انتشار نیافته ای به نام «روزگاری در شورآباد» است که از سال ۱۳۶۴ در فهرست فرهنگ و ارشاد اسلامی «زمانی در انتظار دریافت سهمیه کاغذ و از آن پس در انتظار صدور اجازه انتشار در بند مانده است.» اخیراً نویسنده محترم با دفتر ماهنامه تماس گرفتند و اظهار داشتند که کتاب مذکور منتشر شده و طبق اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تاخیر بیش آمده تنها ناشی از وجود باره ای کمبودها و نارسائی ها بوده و دلیل خاصی نداشته است.

زمینه چند نکته اهمیت ویژه دارد:

۱) کنترل و تقلیل عده جوانانی که بعنوان ادامه تحصیل بخارج از کشور عزیمت مینمایند.

در این مورد بخصوص باید توجه داشت که تربیت شدن جوانان در خارج قبل از پایان دوره دبیرستان در ایران اقدامی خطرناک و در بسیاری از موارد معادل از دست دادن این عده بنفع کشورهای محل تحصیل میباشد. در حال حاضر تعداد محصلین ایرانی در خارج از کشور نسبت به تعداد جمعیت و امکانات موجود در ایران وضع ناموزونی بوجود آورده است که با هیچیک از شئون اجتماعی بستگی ندارد و اگرچه در بیشتر اوقات علت این امر را نبودن وسائل کافی برای تحصیلات عالی در داخل کشور قلمداد میکنند ولی روشن است که تنها علت این هجوم فقدان وسائل آموزشی در داخل کشور نبوده و عوامل روانشناسی بسیاری از قبیل هم چشمی و خودنمایی بخصوص در میان خانواده های مرفه در این هجوم نقش موثری برعهده دارد.

برای اینکه اهمیت مطلب تا حدی روشن شود بد نیست بدانیم که در سال ۱۹۶۲ تنها در اطریش تعداد دانشجویان ایرانی معادل جمع دانشجویان تمام کشورهای آسیائی بود که در آنکشور بتحصیل اشتغال داشتند.

۲) کنترل رشته های تحصیلی دانشجویان در خارج از کشور. بدین معنی که چون در حال حاضر هدف بیشتر جوانانی که برای ادامه تحصیل عازم کشورهای اروپائی و آمریکائی می شوند قبل از هر چیز کسب يك عنوان آکادمیک میباشد آنچنانکه باید و شاید توجهی به رشته های مورد نیاز در داخل کشور نمیشود و چه بسا دیده شده است که دانشجویی در طی اقامت خود در خارج دو یا سه بار رشته تحصیلی خود را تغییر داده است. در صورتیکه اگر دولت با طرح برنامه های طویل المدت نیاز خود را از نظر تعداد افراد متخصص در شئون مختلف از پیش بداند و شرط ادامه تحصیل را در خارج از کشور فرا گرفتن رشته های مورد نیاز قرار دهد و ضمناً تعهد نماید که تا مدت معینی در این رشته ها به فارغ التحصیلان کار مناسب واگذار کند بسیاری از مشکلات خودبخود مرتفع خواهد شد. در غیر اینصورت یعنی در صورتیکه جوانان بمیل خود بنا بر سهل و ساده بودن کسب دیپلم در رشته های غیر ضروری و ناآشنا در ایران به تحصیل بپردازند هم امکانی برای بازگشت خود بکشور نمی بینند و هم در صورت بازگشت تشکیل يك طبقه بدون شغل و ناراضی را میدهند.

این اشکال بیشتر در مورد دانشجویانی که در کشورهای متحده آمریکا تحصیلات خود را بپایان رسانیده اند بچشم میخورد. نظر باینکه تقسیم کار و تخصص در این کشور بمرحلی رسیده که در سایر کشورها قابل استفاده و انطباق با وضع آنها نیست معمولاً عده ای از این فارغ التحصیلان در بازگشت بموطن خود محلی برای کار و فعالیت پیدا نمیکند.

۳) توسعه وسائل تعلیم و تربیت در مراحل عالی در داخل کشور و همچنین تاسیس مدارس حرفه ای که احتیاج زیادی بتوسعه آنها احساس میشود و فراهم آوردن تسهیلات مادی و قانونی برای داوطلبین ورود باین مدارس و دانشگاهها به هر صورتی که امکان پذیر باشد.

۴) از میان بردن تبعیضات و امتیازاتی که بین محصلین داخل کشور و دانشجویان خارج از کشور وجود دارد از قبیل مسئله نظام وظیفه و ارجاع شغل و غیره که موجب تفرقه و نفاق و دلسردی بین این دو گروه میشود و بهانه ای برای عزیمت بخارج بدست میدهد.

در اینمورد باید گفت بنا بر تجربه ای که بدست آمده بطور کلی افرادی که در محل تربیت میشوند و با اوضاع و احوال و شرایط موجود در محیط آشنائی بیشتری دارند بهتر میتوانند مرجع کار و خدمت قرار گیرند. بنا بر این گذشته از عده محدود و معینی که در مراحل عالی مطالعه و تحقیق در خارج از کشور بمدارج استثنائی میسرند از وجود فارغ التحصیلان داخلی بهتر میتوان استفاده نمود. در صورتیکه عملاً رویه ما تاکنون بعکس بوده و من غیر مستقیم نشان داده ایم که با دارا بودن مدارج تحصیلی مشابه فارغ التحصیلان در خارج بیش از عناصر داخلی